به سوی پول واحد

دانیل هانا

مترجم : ستوده، سید محمد

مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس،که شامل بحرین،کویت،عمان،قطر،عربستان سعودی و امارات متحده عربی می‏شوند،حدود 595 میلیارد دلار برآورد شده است.این رقم تقریبا معادل تولید ناخالص داخلی کشور هلند است.این‏ کشورها در مجموع 35 میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده‏اند.طبق گزارش استاندارد چارترد بانک،متوسط درآمد سرانه کشورهای عضو این شورا 17 هزار دلار برآورد شده است.

اهمیت جهانی حوزه یاد شده بیشتر ناشی از منابع طبیعی و ذخایر نفتی آنان است.کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در مجموع‏ دارای 40 درصد ذخایر شناخته شده نفت و 20 درصد ذخایر گاز جهان هستند.از سوی دیگر،با اضافه کردن ایران و عراق به جمع کشورهای‏ مذکور 30 درصد از کل صادرات نفت خام جهان متعلق به این منطقه خواهد بود.

وزارت انرژی آمریکا تخمین زده است که تا سال 2025 میلادی،این نسبت به 38 درصد افزایش می‏یابد،زیرا تولیدات دیگر مناطق عمده‏ صادرکننده نفت خام نظیر دریای شمال تا آن زمان کاهش خواهد یافت.بدیهی است با در نظر گرفتن نقش محوری نفت در بازارهای بین‏المللی، توسعه منطقه خلیج فارس دارای اهمیت جهانی است.

برآوردها حاکی است که در سال 2005 کشورهای عضو این شورا از مازاد حساب جاری بیش از 157 میلیارد دلار برخوردار شده‏اند.این رقم‏ معادل 26 درصد تولید ناخالص داخلی منطقه است.در حقیقت از سال 2000 تا 2005 میلادی دولت‏های عربی حاشیه خلیج فارس از مازاد درآمدی فراتر از 230 میلیارد بهره‏مند گردیده‏اند.

از زمان شکل‏گیری شورای همکاری خلیج فارس در سال 1981،شورای مذکور با آهنگی کند به سوی همگرایی اقتصادی گام برداشته است.اگر چه موافقتنامه اقتصادی مشترک میان اعضاء در ژوئن سال 1981 به تصویب رسید،اما پیشرفت واقعی در زمینه همگرایی اقتصادی صرفا"طی شش سال گذشته صورت پذیرفته است.

اتحادیه گمرگی کشورهای عضو شورا در سال 2003 شکل گرفت.همچنین در سال 2005 کمیته همکاری مالی و اقتصادی شورای مذکور یک‏ جدول زمانی را برای تحقق جاه‏طلبانه‏ترین هدف منطقه یعنی تاسیس پول مشترک کشورهای عضو شورا تا سال 2010 تدوین و منتشر کرد.

مشابهت‏های ساختاری کشورهای عضو شورا به منظور عضویت در اتحادیه پولی

در اولین نگاه چنین به نظر می‏رسد که حرکت به‏ سوی انتشار پول مشترک باید وظیفه‏ای بالنسبه آسان و به مراتب کمتر از آنچه در اروپا رخ داد،جنجال‏آفرین‏ باشد؛زیرا کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‏ فارس از لحاظ تاریخی،فرهنگی،ساختار اقتصادی و نیز روندهای پولی و مالی در مجموع یک بلوک متجانس‏ را تشکیل می‏دهند.

علاوه بر این،تمامی کشورهای یاد شده با چالش‏های‏ اقتصادی و اجتماعی همانندی روبه‏رو هستند.نکته‏ مهمتر آنکه گروه کشورهای مذکور از تجربه قابل توجه‏ 20 ساله در زمینه برخورداری از ثبات نرخ ارز میان‏ دولت‏های عضو بهره‏مند بوده‏اند.همچنین نوعی‏ اجتماع سیاستی در خصوص استفاده از مزایای پول‏ مشترک در سراسر منطقه مشاهده می‏شود.اکنون‏ بزرگترین مانع در راه تحقق پول مشترک کشورهای‏ عضو شورای همکاری خلیج فارس،تاسیس مؤسسه‏ پولی واحدی است که مسئولیت سیاست‏های پولی‏ اعضاء را بر عهده گیرد.گرچه این امر مسئله‏ای مهم و کلیدی به شمار می‏رود،اما از پرداختن به آن از حوزه‏ بررسی این مقاله خارج است.

باید توجه داشت که شش کشور عضو شورا از تاریخ‏ سیاسی و اجتماعی مشترکی برخوردارند.یعنی اسلام‏ و زبان عربی به ترتیب به عنوان دین و زبان رسمی‏ کشورهای فوق شناخته شده است.از سوی دیگر، جمعیت تبعه این کشورها نسبتا متجانس هستند.در واقع‏ در تمام کشورهای عضو،جز بحرین،اکثریت با مسلمانان سنی است.علاوه بر این،در تمامی‏ اقتصادهای یاد شده به طرز قابل توجهی از نیروی کار خارجی استفاده می‏شود؛به نحوی که نیروهای مذکور در هر یک از کشورهای فوق حداقل نیمی از نیروی کار کشور را تشکیل می‏دهند.

به طور کلی،نفت و گاز بر اقتصاد ملی کشورهای یاد شده تفوق دارد.گرچه به تازگی کوشش‏هایی برای‏ متنوع کردن اقتصاد به ویژه در بحرین و امارات صورت‏ گرفته،اما با این حال،نفت همچنان نقش محوری را در اقتصادهای منطقه ایفا می‏کند.به طور کلی صادرات‏ نفت حدود یک‏سوم کل تولید ناخالص داخلی‏ کشورهای عضو شورا،سه‏چهارم درآمد دولت‏های‏ عضو و نیز سه‏چهارم کل صادرات کشورهای فوق را شامل می‏گردد.سلطه نفت بر اقتصاد کشورهای مورد بررسی،طبعا موجب شده اقتصاد این کشورها تا حدودی همگون شوند.

به تازگی کوشش‏هایی‏ برای متنوع کردن‏ اقتصاد به ویژه در بحرین و امارات صورت‏ گرفته،اما با این حال، نفت همچنان نقش محوری‏ را در اقتصادهای‏ منطقه ایفا می‏کند با توجه به فقدان سایر منابع درآمدی قابل ملاحظه و عدم بهره‏مندی از چارچوب مالیاتی مناسب کشورهای‏ مذکور از لحاظ روندهای مالی تحت تاثیر فشارهای‏ مشابهی قرار گرفته‏اند.

پیشرفت‏های حاصله در زمینه انسجام اقتصادی‏ کشورهای عضو شورا را می‏توان در خلال شش سال‏ گذشته از طریق انتقال آزاد کالاها،خدمات و سرمایه‏ میان اعضاء ارزیابی و مشاهده کرد.مهمترین تحول در این زمینه در سال 2003 رخ داد.در این سال اتحادیه‏ گمرکی شورای همکاری خلیج فارس تشکیل گردید و بر اساس مقررات آن،گمرک مشترکی برای ثبت کالا در تمامی کشورهای عضو شکل گرفت و تعرفه خارجی‏ با در نظر گرفتن‏ قیمت‏های بالای نفت، احتمالا هر شش کشور عضو شورا توانسته‏اند چهار معیار اول از پنج‏ معیار فوق را در پایان‏ سال 2005 محقق سازند یکسان 5 درصد اعمال گردید.همچنین طی شش سال‏ گذشته بدون در نظر گرفتن سهم نفت،حجم تجارت‏ بین منطقه‏ای از 4 درصد به 30 درصد افزایش یافته است. با این حال،با توجه به کوشش‏هایی که در زمینه هماهنگ‏ کردن مقررات بر پایه معیارهای بین‏المللی صورت‏ می‏گیرد-از جمله ابتکاراتی مانند انعقاد قرارداد تجارت‏ آزاد دوجانبه میان ایالات متحده و کشورهای عضو شورا و همچنین انعقاد قراردادهای داخلی تجارت آزاد مابین مراکز مالی جدید قطر و دوبی-به نظر می‏رسد انسجام بیشتری در زمینه خدمات در میان‏مدت حاصل‏ شود.

سطح بالنسبه بالای تجانس اقتصادی و فرهنگی میان‏ کشورهای عضو شورا و یکپارچگی رو به رشد آنها، شرایط مناسبی را برای تشکیل اتحادیه پولی فراهم آورده‏ است.عامل مثبت دیگر،وجود شباهت‏های ساختاری‏ اقتصادی است که به نوبه خود خطرات ناشی از وقوع‏ شوک‏های نامتقارن‏1را کاهش می‏دهد(منظور شوکی‏ است که تنها یک کشور عضو شورا را تحت تاثیر خود قرار می‏دهد).علاوه بر این،انسجام اقتصادی اعضاء، توانایی اتحادیه را درخصوص مقابله با اثرات چنین‏ شوک‏هایی افزایش می‏دهد،زیرا تسهیلاتی را در زمینه‏ انتقال عوامل تولید به ویژه نیروی انسانی و سرمایه مابین‏ مناطق شوک‏زده و دیگر مناطق فراهم می‏آورد.

بررسی معیارهای عضویت در اتحادیه پولی

در سال 2005 کمیته همکاری‏های اقتصادی و مالی‏ شورای همکاری خلیج فارس‏2،که متشکل از وزرای‏ دارایی،رؤسای کل بانک‏های مرکزی و آژانس‏های‏ پولی کشورهای عضو است،مجموعه معیارهای‏ همگرایی‏3اتحادیه پولی را مشخص وتصویب کرد.در حقیقت این معیارها نمایانگر میزان آمادگی کشورهای‏ عضو شورا برای پیوستن به اتحادیه پولی است. معیارهای فوق بر پایه معیارهای پیمان ماستریخت‏4به‏ شرح ذیل تعیین گردیده است:

کسر بودجه هر کشور نباید از 3 درصد تولید ناخالص داخلی فراتر رود.

بدهی بخش عمومی نباید از 60 درصد تولید ناخالص داخلی فراتر رود.

ذخایر ارزی کشور باید برای واردات بیش از چهار ماه کفایت کند.

نرخ‏های بهره نباید از متوسط مجموع نرخ‏های‏ بهره در سه کشوری که دارای پایین‏ترین نرخ‏های بهره‏ هستند،بیش از 2 درصد بالاتر باشد.

نرخ تورم نباید از میانگین وزنی نرخ تورم شش کشور عضو شورا،بیش از 2 درصد بالاتر رود.

با در نظر گرفتن قیمت‏های بالای نفت،احتمالا"هر شش کشور عضو شورا توانسته‏اند چهار معیار اول از پنج معیار فوق را در پایان سال 2005 محقق سازند. همچنین طبق آمارهای قطعی سال 2004،تنها عربستان‏ سعودی نتوانسته نسبت مجاز بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی را رعایت کند.همچنین بحرین نیز در زمینه بهره‏مندی از ذخایر ارزی کافی جهت واردات‏ چهارماهه کشور موفق نبوده است.به نظر می‏رسد تحقق معیار پنجم یعنی کنترل تورم تا اندازه‏ای دشوارتر باشد.در سال 2004 تورم در بحرین و قطر از میانگین‏ مجاز وزنی نرخ تورم شورا فراتر رفت.درخصوص‏ قطر می‏توان گفت که وقوع این امر احتمالا"ناشی از تفوق بخش نفت و گاز بر اقتصاد این کشور است(60 درصد تولید ناخالص داخلی قطر در سال 2005 ناشی‏ از صدور نفت و گاز بوده است)نکته قابل توجه در این‏ خصوص این است که تحقق معیار پنجم تا اندازه بسیار زیادی بستگی به نوسان قیمت‏های نفت دارد.چنانچه‏ قیمت نفت به نحو قابل توجهی کاهش یابد آن‏گاه‏ کسری‏های بودجه ممکن است بار دیگر قبل از فرا رسیدن سال 2010 برای کشورهای عضو شورا دردسرآفرین شود.در واقع نقش محوری نوسانات‏ قیمت نفت در اقتصادهای منطقه آن‏چنان که شایسته‏ است در معیارهای عضویت در اتحادیه پولی لحاظ نشده‏ است.

به سوی تحقق اتحادیه پولی مستحکم

بدیهی است که روند شکل‏گیری پول مشترک، فرایندی تدریجی و گام به گام خواهد بود.در فرایند یاد شده باید اقتصاد اعضای اتحادیه پولی شورای همکاری‏ خلیج فارس در بلندمدت از چنان قدرت و انسجامی‏ برخوردار شود که بتواند با مشکلات و چالش‏های‏ آتی به مقابله برخیزد.در این میان تحقق انسجام‏ اقتصادی دولت‏های عضو با یکدیگر مسئله‏ای حیاتی‏ به شمار می‏رود.کشورهای عضو شورا برای‏ شکل‏گیری اتحادیه پولی باید سه عامل زیر را که‏ الزامات این فرایند هستند،مدنظر قرار دهند.توجه به‏ این عامل‏ها توانایی مقابله با شوک‏های متقارن و نامتقارن را در اعضای اتحادیه پولی پدید می‏آورد: نخستین عامل،کاهش تدریجی سرانه منابع‏ هیدروکربنی در کشورهای یادشده است.این در حالی‏ است که منابع هیدروکربنی همچنان طی 20 سال آینده‏ نقش محوری خود را در تمامی اقتصادهای عضو شورا حفظ خواهند کرد.اما با این حال برخی از کشورهای‏ فشارهای مربوط به بازار کار و ساختار جمعیتی‏ کشورهای عضو شورای‏ همکاری خلیج فارس‏ سومین مسئله‏ای است که‏ باید به آن توجه کرد یادشده از هم‏اکنون به فکر مقابله با چالش‏های‏ ناشی از اتمام ذخایر هیدروکربنی خود افتاده‏اند.

دومین عامل فرایند متنوع‏سازی اقتصاد کشورهای‏ عضو است.منظور،فعالیت‏هایی است که در زمینه‏هایی‏ جز منابع هیدروکربنی انجام می‏شود.البته سرعت‏ پیشرفت فعالیت‏های یادشده در هر یک از کشورهای‏ عضو شورا متفاوت است.

بالاخره فشارهای مربوط به بازار کار و ساختار جمعیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس‏ سومین مسئله‏ای است که باید به آن توجه کرد.با در نظر گرفتن این که سن نیمی از جمعیت حوزه یادشده کمتر از 20 سال است،پیش‏بینی می‏شود نیروی کار در این‏ منطقه تا سال 2020 سالانه 3 درصد رشد کند.برخی از کشورهای شورا نسبت به سایرین از وضعیت بهتری‏ برخوردارند.برای مثال نرخ بیکاری در عربستان سعودی‏ 20 درصد تخمین زده می‏شود،در حالی که نرخ یادشده‏ در امارات متحده عربی تنها 3 درصد است.

اتخاذ هدف‏های مالی متکی‏ بر منابع غیر نفتی،رهیافت‏ مناسبی است که در نهایت به‏ تقویت روزافزون وضعیت‏ مالی منطقه و تشکیل اتحادیه‏ پولی منجر خواهد گشت‏

نقش ثبات مالی در انتشار پول مشترک

تشکیل یک اتحادیه پولی پایدار و مستحکم در میان‏ کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مستلزم‏ برخورداری از چارچوب مالی میان‏مدت‏ مستحکم‏تری نسبت به وضعیتی است که اکنون‏ پیش‏بینی شده است.در کشوری که تولیداتش بیشتر متکی بر صدور نفت است،مبنا قرار دادن تراز کلی‏ بودجه به عنوان معیار بارز برخورداری از ثبات در تامین‏ مالی کشور رویکرد مناسبی نیست و ممکن است‏ علامت گمراه‏کننده‏ای در خصوص ثبات مالی کشور برای سیاست‏گذاران اقتصادی باشد.مهمترین واقعیتی‏ که در این زمینه نادیده انگاشته می‏شود اهمیتی است که‏ درآمدهای نفتی در روندهای مالی و سطوح بدهی‏ کشورهای عضو شورا دارند.در اقتصادهای نفتی به دو دلیل نمی‏توان از شاخص توازن کلی بودجه به عنوان‏ معیاری برای سنجش و ارزیابی وضعیت تامین مالی‏ دولت استفاده نمود:

1-ناپایداری قیمت نفت

2-پایان‏پذیری و محدود بودن منابع هیدروکربنی

نتیجه‏گیری

شورای همکاری خلیج فارس هم‏اکنون گام‏های نسبتا مهمی در خصوص بهبود وضعیت مدیریت مالی خود برداشته است.بدون شک بودجه‏بندی سال 2005 بر مبنای فرض قیمت هربشکه نفت حدود 30 دلار-که‏ فرضی محافظه‏کارانه تلقی می‏گردید-باعث شد مازاد بودجه قابل توجهی عاید کشورهای یاد شده شود و آنها بتوانند از این منابع در دوران کاهش قیمت نفت‏ استفاده کنند.

نکته مهم‏تر آن است که اکنون اکثر این دولت‏ها، موسسات سرمایه‏گذاری عمومی تاسیس نموده‏اند که وظیفه دارند منابع مازاد بودجه سالانه را به منظور تامین نیاز نسل‏های آتی به نحوی مناسب‏ سرمایه‏گذاری کنند.اتخاذ هدف‏های مالی متکی بر منابع غیر نفتی،رهیافت مناسبی است که به این ترتیب‏ به کار گرفته می‏شود و در نهایت به تقویت روزافزون‏ وضعیت مالی منطقه و تشکیل اتحادیه پولی منجر خواهد گشت.

\*کارشناس پژوهشکده پولی و بانکی

(1) Asymmetric shocks

(2) Economic Cooperation The GCC Committee for Financial and

(3) Convergence Criteria

(4) Maastricht